

حکومت اسلامی و بایسته‌های گسترش اخلاق و معنویت

□ سید سخی داد موسوی *

چکیده

دوران معاصر علی‌رغم پیشرفت‌ها و توانمندی‌های بشر در علم و تکنولوژی، به معنای واقعی کلمه عصر بحران اخلاق و معنویت است. از عمده‌ترین علت‌های این انحطاط، اندیشه جدایی دین از سیاست است که بر اساس آن، نظام‌های سیاسی حاکم بر جهان وظایف خود را منحصر در سامان دادن به امور مادی ملت‌ها می‌پندارند، اما برای نیازهای معنوی مردم ارزشی قائل نیستند. جوامع مسلمان نیز به خاطر تأثیرپذیری از جو حاکم بر دیگر کشورها و عملکرد نامطلوب حکومت‌های اسلامی، از نظر اخلاق و معنویت شرایط چندان مطلوبی ندارند. اصلاح وضع موجود متوقف بر حاکمیت دین و پاسداشت ارزش‌های معنوی است و حکومت اسلامی می‌تواند در این زمینه نقش اساسی ایفا کند. پرسش مهم این است که حکومت اسلامی در جهت گسترش اخلاق و معنویت چه وظایفی بر عهده دارد؟ پژوهش حاضر این مسأله را از دیدگاه اسلامی و با تفحص در ادله به شیوه توصیفی و تحلیلی مورد بررسی قرار داده است. براساس یافته‌های این تحقیق، گسترش اخلاق و معنویت در جامعه مستلزم نگاه جامع حکومت اسلامی نسبت به همه امور و جهت دادن کلیه فعالیتها در مسائل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... به سمت حاکمیت ارزش‌ها و قوانین الهی است. با رشد اخلاق و معنویت در جامعه، آثار آن در اصلاح رفتارهای فردی و مناسبات اجتماعی مثل استحکام نهاد خانواده، اعتماد در تعامل میان فردی، تقویت روابط دولت و ملت و عرصه‌های گوناگون دیگر که امروز از مهم‌ترین چالش‌ها به شمار می‌روند، نمایان خواهند شد.

کلیدواژه‌ها: وظیفه شرعی، حکومت اسلامی، اخلاق، معنویت، تربیت.

* دانش‌آموخته دکتری فقه تربیتی، جامعه المصطفی ص العالمیه، افغانستان.

مقدمه

بسیاری از حکومت‌ها در جهان معاصر بر اساس اندیشه «جدایی دین از سیاست» شکل گرفته‌اند و به همین جهت به دین و ارزشهای پایدار اخلاقی و معنوی اعتقادی ندارند. این مشی سیاسی جوامع انسانی را در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... با مشکلات بسیاری مواجه ساخته است. فروپاشی نظام خانواده، گسترش فساد و بی بندوباری، کاهش ازدواج و فرزندآوری، سقط جنین، افسردگی، افزایش خودکشی و چالش‌های بی‌شمار دیگر از نتایج بی‌توجهی به ارزش‌های اخلاقی و معنوی است.

رویکرد عملی‌ای اغلب حکومت‌های اسلامی نیز گرایش به جدایی دین از سیاست در عرصه حکمرانی است. به همین دلیل امروز جوامع اسلامی با تأثیرپذیری از فرهنگ‌های بیگانه و تسامح حکام کشورهای مسلمان از نظر اخلاقی و معنوی وضع مطلوبی ندارند.

اساسی‌ترین راهکار حل این چالش، تمسک به دین و احیای فضائل معنوی است و حکومت اسلامی می‌تواند بر اساس مبانی و آموزه‌های اسلام در این راستا نقش اساسی ایفا کند. بنابراین، مسأله مهمی که باید مورد بررسی قرار گیرد وظایف حکومت اسلامی در گسترش اخلاق و معنویت است.

از نظر پیشینه، در باره مناسبات اخلاق و سیاست سه رویکرد کلان مطرح است:

۱. رویکرد سنتی: در این رویکرد، سیاست را به منظور دست‌یابی افراد جامعه به فضیلت در نظر می‌گیرند که در واقع، غایت فعل سیاسی در نظر آنان به فضیلت می‌گراید (ویلیام بلوم، ۱۳۷۳: مقدمه ج دوم). افلاطون و ارسطو اولین کسانی‌اند که وظیفه مرد سیاسی را پژوهش در باره فضیلت و اخلاق دانسته‌اند (ارسطو، ۱۳۷۸: ۴۶).

۲. رویکرد مدرن و پست مدرن: رویکرد مدرن به سیاست، نه برای بدست آوردن فضیلت بلکه برای نیل به آزادی است. در واقع، آزادی غایت سیاست است و فضیلت امری شخصی به شمار می‌رود که هرکس به شیوه خاصی که می‌خواهد آن را دنبال می‌کند.

در نگرش‌های پست مدرن، دغدغه آزادی جای خود را به دغدغه قدرت و رابطه قدرت می‌دهد. پست مدرن‌ها از این رابطه به «امر سیاسی» تعبیر می‌کنند که عبارت است از نزاع همیشگی و دایمی در عرصه رابطه اجتماعی انسان‌ها. در واقع همواره سیاست معطوف به

قدرت است. در اینجا بر فضیلت یا آزادی تمرکزی صورت نمی‌گیرد؛ بلکه قدرت به مثابه نزاع دایمی در همه جا وجود دارد و تعیین کننده است (جمعی از محققان، ۱۳۸۶: ۶۴).

۳. رویکرد اسلامی: در نگرش اسلامی سیاست و قدرت معطوف به فضیلت و سعادت است. بسیاری از متفکران مسلمان نیز به سیاست با نگاه اخلاقی می‌نگرند (فارابی ۱۳۴۸: ۱۰۸-۱۰۷؛ طوسی، ۱۳۶۴: ۱۰۱).

بطور کلی به عقیده اندیشمندان مسلمان، ویژگی‌های عمده سیاست اسلامی عبارتند از: ترغیب مردم به شناسایی خداوند و قدرت لایزال او، کسب علم و دانش، تهذیب و تذکیه نفس و استقرار مساوات بین افراد و رسیدن به مرز صلح و آرامش خاطر و یافتن لیاقت به عنوان خلیفه الهی در زمین (مدنی، ۱۳۷۲: ۸/۱).

پژوهش حاضر وظایف حکومت اسلامی را در گسترش اخلاق و معنویت، بر اساس رویکرد اسلامی و با استفاده از آیات و روایات و سیره معصومین علیهم‌السلام به شیوه‌ی توصیفی و تحلیلی مورد بررسی قرار داده است.

الف) مفاهیم

۱. حکومت

واژه "حکومه" در عربی از ماده "حکم" به معنی قضاوت کردن، منع کردن و جلوگیری از ظلم و فساد است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۶۷/۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۲/۱۴۱). بر اساس لغت نامه‌های جدید عربی حکومت به هیأتی اطلاق می‌شود که تدبیر و اداره شئون دولت را بر عهده دارد، مانند رئیس جمهور و رئیس وزراء و وزراء و ... (احمد مختار، ۱۴۲۹: ۱/۵۴۰). در فارسی نیز حکومت به معنای حکم راندن، دیوان کردن، فرمانروایی کردن، سلطنت و پادشاهی کردن آمده است (دهخدا، ۱۳۹۰-۱۳۸۵: ۱/۱۰۴۰).

در اصطلاح حقوق و علوم سیاسی حکومت با عبارات مختلفی تعریف شده که همه آنها ناظر بر فرمانروایی و اداره امور جامعه است. در یکی از این تعاریف آمده است: «در اصطلاح فرهنگ‌های علوم سیاسی، حکومت به معنای حکمرانی، فرمانروایی و اداره امور عمومی یا رهبری و مدیریت جامعه است» (آشوری، ۱۳۶۶: ۲۴۱).

۲. اخلاق

اخلاق در عربی جمع "خُلُق" (بر وزن قُفْل) و خُلُق (بر وزن اُفُق) می باشد. به گفته راغب در مفردات این دو واژه در اصل به یک ریشه باز می گردد، خُلُق به معنی هیئت و شکل و صورتی است که انسان با چشم می بیند و خُلُق به معنی قوا و سجایا و صفات درونی است که با چشم دل دیده می شود (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۱۵۸).

در فارسی اخلاق اینگونه تعریف شده است: «مجموعه عادت ها و رفتارهای فرهنگی پذیرفته شده میان مردم یک جامعه؛ وضع روحی و رفتاری شخص؛ خوی های پسندیده، رفتار شایسته و پسندیده؛ شناخت و بررسی ارزشهایی مانند: خوبی، بدی، حق و وظیفه و علم اخلاق» (انوری، ۱۳۸۱: ۱/۲۹۱).

اخلاق در معنای اصطلاحی عبارت از قواعدی است که در طول دورانی از زندگانی بشری بوسیله افراد مورد احترام قرار گرفته است و آنها خود را مجبور به اطاعت از آن می دانند و تخلف از آن موجب ناراحتی وجدانی و تحریک افکار می گردد. قواعد اخلاقی بر مبنای نیک و بد گذارده شده و مشخص آن فقط وجدان انسانی می باشد، که در مورد اخلاق عمومی بصورت وجدان عمومی در آمده است (امامی، بی تا: ۴/۶۷-۶۶).

۳. معنویت

کلمه معنویه و معنوی در منابع عربی گاهی در مقابل لفظی (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۰/۲۸۸) و گاهی در مقابل ذاتی و ظاهری (مصباح المنیر، بی تا: ۲/۳۰۳)، بکار می رود. در بعضی منابع عربی معنوی را به «الحاله النفسیه» معنی کرده اند (احمد مختار، ۱۴۲۹: ۲/۱۵۶۷). در فارسی نیز از جمله معانی ای که برای آن ذکر شده «باطنی و روحانی» است (دهخدا، ۱۳۹۰-۱۳۸۵: ۱/۱۵۸). در اصطلاح ادیان، فرهنگ ها و فرقه های مختلف، معنویت تنوع معنایی زیادی یافته است؛ اما در اصطلاح اسلامی معنویت حالت لطیف روحی ای غیر مادی است که بر اثر ارتباط با عالم غیب برای انسان پدید می آید و منشأ آن اعتقاد راسخ به مبدأ معنوی ای متعالی و پیروی از قوانین کامل آسمانی است که در پرتو آن، افکار، رفتار و انواع روابط و تعاملات انسانی حتی در مسائل اقتصادی و مادی رنگ و بوی معنوی پیدا می کند.

ب) کلیات

۱. ضرورت گسترش اخلاق و معنویت

بسیاری از ممالک جهان به خصوص کشورهایی که حکومت‌های سکولار بر آنها حاکمیت دارند، دچار بحران اخلاق و معنویت اند؛ چرا که ارزشهای دینی رسماً از متن زندگی مردم رخت بر بسته و به آن اهمیتی داده نمی‌شود. جوامع مسلمان نیز بدلیل تأثیرپذیری از فرهنگ‌های دیگر و بی‌پروایی حکومت‌های اسلامی، از نظر اخلاق و معنویت وضعیت مطلوبی ندارند. با در نظر داشت این واقعیت که امروز جهان صحنه‌ای تقابل فرهنگ‌هاست و تبلیغات گسترده‌ای در این عرصه در جریان است، گسترش اخلاق و معنویت بر اساس مبانی و آموزه‌های اسلام بسیار ضروری است. تردیدی نیست که سهل‌انگاری در این زمینه موجب عادی شدن ناهنجاریهای اخلاقی و فاصله گرفتن جامعه از معنویات می‌شود که اصلاح آن بسیار دشوار خواهد بود.

۲. اهداف گسترش اخلاق و معنویت

اهداف زیادی را می‌توان برشمرد که تحقق آنها مستلزم تلاش حکومت اسلامی برای فراگیر شدن اخلاق و معنویت در جامعه است؛ موارد مهم ذیل از آن جمله است:

۱-۲. حفظ نظم و انضباط و تحکیم روابط اجتماعی

تردیدی نیست که مسائل مختلف زندگی با هم ارتباط دارند و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. «ممکن نیست اجتماعی مثلاً فرهنگ یا سیاست یا قضاوت یا اخلاق و تربیت و یا اقتصادش فاسد باشد اما دینش درست باشد و بالعکس» (مطهری، ۱۳۷۷: ۱۶-۱۵). بر این اساس، نظم و انضباط و انسجام اجتماعی زمانی بطور کامل محقق خواهد شد که اخلاق و معنویت در همه مسائل زندگی حاکم باشد و آن هم مستلزم تقویت ایمان مردم و التزام آنان نسبت به قوانین اسلام است. بطور مثال بی‌حجابی و نامناسب بودن پوشش و آرایش بانوان در جامعه اسلامی که از بارزترین مصادیق ناهنجاریهای اخلاقی و برخلاف تمام معیارهای پذیرفته شده مسلمانان است، نوعی بی‌نظمی و بی‌انضباطی به شمار می‌رود، چون مخل امنیت روانی جامعه است و در گسترش فساد و فروپاشی بنیان خانواده نقش اساسی دارد. گسترش اخلاق

و معنویت در حل اینگونه چالش‌های فساد انگیز تأثیر بسزائی دارد و نتیجه آن، برقراری نظم و انضباط و تحکیم روابط اجتماعی است.

۲-۲. پیشگیری از سلطه فرهنگی دشمنان اسلام

فرهنگ مسلمانان همواره با اخلاق و معنویت عجین بوده است و حفظ آن، از سلطه فرهنگی دشمنان اسلام جلوگیری خواهد کرد؛ چرا که تسلط همه جانبه فقط از راه تغییر فرهنگ امکان پذیر است، به همین دلیل آگاهان و دلسوزان جامعه اسلامی نسبت به حفظ و اصلاح فرهنگ تأکید دارند و مراجع معظم تقلید محافظت و صیانت از آن را واجب دانسته‌اند (بهجت، ۱۴۲۸: ۴/۵۷۳؛ خلخالی، ۱۴۲۲: ۵۱۸). از مهم‌ترین راه‌های حفظ فرهنگ و جلوگیری از سلطه‌ای فرهنگی بیگانگان، توجه به رشد اخلاق و معنویت براساس آموزه‌های اسلام است.

۲-۳. احیای سبک زندگی اسلامی

یکی از مهم‌ترین اهداف رشد اخلاق و معنویت، احیای سبک زندگی اسلامی است. با گسترش وسائل ارتباطی و تبلیغات گسترده، الگوپذیری از فرهنگ‌های غیر اسلامی نیز افزایش یافته و چنان که مشهود است، شیوه‌های رفتار مردم دچار نوسانات فراوان شده و خطر تأثیرپذیری از سبک زندگی بیگانگان همچنان وجود دارد. این وضعیت بهبود نخواهد یافت مگر آن که حکومت اسلامی با سازوکارهای مناسب اخلاق و معنویت را با هدف احیای سبک زندگی اسلامی گسترش دهد.

۳. مبانی و معیارهای گسترش اخلاق و معنویت

با توجه به اختلاف دیدگاه‌ها، روشن ساختن مبانی و معیارهای گسترش اخلاق و معنویت براساس آموزه‌های اسلام ضروری است.

۳-۱. مبنای انسان شناختی

در بینش اسلامی، انسان مرکب از جسم و روح است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «ثُمَّ سَوَّاهُ»

وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ» (سجده: ۹-۷)؛ سپس (اندام) او را موزون ساخت و از روح خویش در وی دمید.

در آیه دیگر فرموده است: «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (حجر: ۲۹؛ ص ۷۲)؛ هنگامی که آن را نظام بخشیدم و از روح خود در آن دمیدم.

بعد مادی‌ای وجود انسان و نیازهای مترتب بر آن، از قبیل خوراک و پوشاک و ازدواج و... بر همه آشکار است؛ اما بعد روحی و معنوی و گونه‌شناسی نیازهای آن بر همگان روشن نیست. براساس آموزه‌های اسلام، ارزش واقعی انسان به بعد روحی اوست؛ آنچه که موجب تکامل جنبه معنوی وجود انسان می‌گردد ایمان به خداوند، حکیمانه دانستن خلقت، اعتقاد به حیات جاودانه‌ی پس از مرگ، اطاعت از قوانین شریعت و تلاش برای رسیدن به مقام قرب الهی است؛ اما مادی‌گرایان که برای انسان بعد روحی و معنوی قائل نیستند، هدف زندگی را رسیدن به لذت‌های مادی می‌پندارند. از لوازم منحصر دانستن انسان در بعد مادی این است که هیچ مقصد و الاتری برای او متصور نیست که بخواهد برای رسیدن به آن تلاش کند. بدین جهت، اخلاق و معنویت به معنای واقعی‌ای کلمه نیز برای او مفهومی ندارد و سرانجام مادی‌گرایی جز پوچی و بی‌هدفی چیز دیگری نیست.

۲-۳. مبنای ارزش‌شناختی

از دیدگاه اسلام، ارزش واقعی انسان به ایمان، عمل صالح، بندگی خداوند، تقوا و خدمت به هموعان است. این مطالب در قرآن بطور مکرر بیان شده از جمله در آیه ذیل می‌فرماید:

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْكِتَابِ وَ النَّبِيِّنَ وَ آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ السَّائِلِينَ وَ فِي الرِّقَابِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ الْمُؤْمِنُونَ بَعَثْنَاهُمْ إِذَا عَاهَدُوا وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (بقره:

۱۷۷)؛ نیکویی این نیست که روی خود را به مشرق و مغرب برگردانی؛ بلکه نیکوکار کسی است که به خدا و روز رستاخیز و فرشتگان و کتاب و پیامبران، ایمان آورده و مال(خود) را با همه‌ی علاقه‌ای که به آن دارد، به خویشاوندان و یتیمان و

مسکینان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان انفاق می‌کند؛ نماز برپا می‌دارد و زکات می‌پردازد؛ و کسانی که به عهد خود وفا می‌کنند؛ و در برابر محرومیت‌ها و بیماری‌ها و در میدان جنگ استقامت به خرج می‌دهند؛ اینها کسانیکه راست می‌گویند و پارسا و پرهیزگار اند.

از نگاه مادی‌گران، بالاترین کمال و ارزش انسان در قدرت و تسلط او بر طبیعت و لذت بردن از مادیات است. شهید مطهری پس از بررسی دیدگاه‌ها در باره کمال انسان، نظر متداول غربی را در این زمینه مبتنی بر قدرت می‌داند؛ یعنی کمال و ارزش انسان در قدرت است و بر این اساس، انسان کامل و ارزشمند عبارت است از انسان قدرتمند و مقتدر. تکامل داروینی یعنی «اصل تنازع بقاء» هم بر همین اساس است. با این نظریه هم اخلاق متزلزل می‌شود و هم معنویت. استاد مطهری در نقد این دیدگاه می‌گوید: «از وقتی که همه چیز مقدمه‌ای قدرت شد، مسیر بشریت را عوض کرد. از آن روز است که بشریت هر چه هم ادعا می‌کند نمی‌تواند به هیچ معنویتی معتقد شود. اگر سخن از معنویت می‌گوید، عملاً برخلاف آن رفتار می‌کند» (مطهری، ۱۳۹۰: ۸۱).

۳-۳. مبانی هستی‌شناختی

در بینش اسلامی، به جز زندگی در جهان مادی، نوعی حیات برتر و ارزشمندتر نیز وجود دارد که در آیات متعدد قرآن کریم مطرح شده و خداوند آن را بهتر از زندگی در عالم مادی دانسته است:

وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ لَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ (نحل: ۳۰)؛ (ولی هنگامی که) به پرهیزگاران گفته می‌شد: «پروردگار شما چه چیز نازل کرده است؟» می‌گفتند: «خیر (و سعادت)» (آری)، برای کسانی که نیکی کردند، در این دنیا نیکی است؛ و سرای آخرت از آن هم بهتر است؛ و چه خوب است سرای پرهیزگاران!

بنابراین، در گسترش اخلاق و معنویت، معیار عمل قرار دادن مبانی‌ای فوق و بطورکلی زندگی و مرگ را برای خدا دانستن لازم و ضروری است؛ در غیر اینصورت، هر تلاشی که با نگاه مادی در این زمینه انجام بگیرد، نتیجه عکس خواهد داد.

ج) وظایف حکومت اسلامی در گسترش اخلاق و معنویت

هدف از تشکیل حکومت اسلامی برآوردن نیازهای مادی و معنوی مردم است. این مسأله از دیرباز مورد توجه اندیشمندان مسلمان قرار داشته، (فارابی ۱۳۴۸: ۱۰۸-۱۰۷؛ طوسی، ۱۳۶۴: ۱۰۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ۱/۱: ۳۴۰)؛ و مقام معظم رهبری - حفظه الله - در این رابطه فرموده اند: «همه وظایف ما در وظایف اقتصادی و سیاسی خلاصه نمی‌شود. ما در مقابل معنویات مردم هم مسئولیت داریم. اگر مردم از لحاظ روحی و اخلاقی عقبگرد داشته باشند، نمی‌شود بگوییم در جامعه هیچ کس مسئول این نیست. حالا اگر بنا باشد کسی مسئول باشد، مسئول کیست؟ یقیناً مسئولان کشور نمی‌توانند خودشان را برکنار بدانند. هرکدام یک‌طور و به نحوی مسئولیت دارند. پس، مسئولیت معنویات مردم بر دوش مدیران کشور در طبقات مختلف - از بالا تا پایین - است» (موسی پور، ۱۳۸۷: ۱۶۱).

با توجه به در هم تنیدگی و تأثیرگذاری متقابل مسائل مختلف بر یکدیگر و نیز واکاوی و ریشه‌یابی علل و عوامل ناهنجاریهای اخلاقی و خلأ معنویت در جامعه، وظایف حکومت اسلامی را می‌توان در عناوین ذیل مورد تحلیل قرار داد:

۱. مسئولیت‌پذیری و التزام عملی مسئولان در انجام وظایف

در بینش اسلامی حکومت بر مردم امانت الهی و مسئولیت‌آفرین است. در قرآن شریف می‌فرماید:

وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ، قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا، قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي، قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ (بقره: ۱۲۴)؛ و هنگامی که خداوند، ابراهیم را به اموری چند آزمود و او همه را به پایان برد گفت: من تو را به پیشوایی مردم برگزیدم، گفت: و از فرزندانم؟ گفت عهد من هرگز به ستمکاران نخواهد رسید.

جعل امامت برای ابراهیم عليه السلام، فلسفه دیگری ندارد جز قرار دادن مسئولیت سنگین رهبری و هدایت مردم بر عهده آن حضرت و به همین دلیل هم، ظالمان از عهد الهی محروم شده‌اند، چون آنان شایستگی این مقام را ندارند.

در آیه دیگر فرموده است: «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» (ص: ۲۶)؛ «ای داود! ما تو را در زمین مقام خلافت دادیم، پس بین مردم به حق حکم نما.

فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ كَمَا مَتَّعْتُمُوهَا فِي الْأَرْضِ قَبْلَ هَذِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ
سنگین حضرت داود دارد.

در آیه ۴۱ سوره حج می فرماید:

الَّذِينَ إِذَا مَا كُنَّا فِي الْأَرْضِ أَلْمَأُومُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ المُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (حج: ۴۱)؛ (آنان که خدا را یاری می کنند) آنهایی هستند که اگر در روی زمین به آنان اقتدار و تمکین دهیم نماز به پا می دارند و زکات می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و (از هیچ کس جز خدا نمی ترسند چون می دانند که) پایان همه کارها از آن خداست.

در این آیه برای حکومت اسلامی وظایف متعددی بیان شده که در تحکیم ارتباط انسان با خداوند، رابطه با خلق و حل چالش های فرهنگی و اجتماعی نقش اساسی دارند.

در آیه دیگر فرموده است:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ (نساء: ۵۸)؛ خداوند به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبانش بدهید! و هنگامی که میان مردم داوری می کنید، به عدالت داوری کنید!

امام خمینی علیه السلام در تحلیل آیه فوق فرموده اند: «وقتی بنا شد تمام امور دینی عبارت از «امانت» الهی باشد و باید این امانت به اهلش رد شود، یکی از آنها هم حکومت است و به موجب آیه شریفه باید هر امری از امور حکومت بر موازین عدالت، یعنی بر مبنای قانون اسلام و حکم شرع باشد (خمینی، ۱۴۲۳: ۸۴).

با توجه به ادله فوق، حکومت بر مردم امانت الهی و فرصتی برای خدمت گذاری است و اگر مسئولان در انجام وظایف خود سستی کنند مرتکب خیانت در امانت شده اند. شواهد نشان می دهند که بی تقوایی و عملکرد نامطلوب مسئولان از عمده ترین علل چالشها در حوزه اخلاق و معنویت است. اغلب زمامداران از قدرت در جهت منافع شخصی یا جناحی استفاد می کنند و همین مسأله موجبات فساد را در درون نهاد حاکمیت بوجود می آورد.

امیرالمؤمنین علیه السلام به یکی از کارگزاران حکومت خود هشدارگونه می نویسد:

وَإِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ (نهج البلاغه: ۳۱۲)؛ مبدا چنین پنداری که حکومت تو برای تو لقمه چرب و شیرینی است، بلکه امانتی

است بر گردن تو که باید در دنیا و آخرت از آن، جواب بدهی.

آن حضرت در نامه‌اش به مالک اشتر مطالب مهمی را به وی گوشزد می‌کند، از جمله می‌فرماید: ... پس مهربانی بر رعیت و دوستی ورزیدن و مهربانی کردن با همگان را بر دل خود پوششی گردان و همچون جانوری شکاری مباش که خوردنشان را غنیمت شماری! چه رعیت دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تواند، و دسته دیگر در آفرینش با تو همانند (نهج البلاغه: ۳۶۷).

مهم‌ترین پیام این نامه یادآوری مسئولیت‌های خطیر فرماندار حکومت اسلامی است که باید تقوا، وظیفه‌شناسی، حکمرانی عادلانه و حسن تعامل با اقشار مختلف مردم را شیوه خود قرار دهد.

در روایت معروف نبوی آمده است:

كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ فَالِإِمَامُ رَاعٍ وَ هُوَ الْمَسْئُولُ عَنْ رَعِيَّتِهِ...»

(بخاری، ۱۴۰۱-۱۹۸۱: ۱/ ۲۱۵)؛ همه شما سرپرست و نگهبانید و همه در برابر

زیردستان خود مسئولید. امام نگهبان است و در برابر رعیت خود مسئول است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام به استناد این روایت خطاب به مسئولان نظام فرموده است: «همه ما از بالاترین مسئول در این نظام تا کوچکترین کارگزار در سلسله مراتب اجرایی و قضایی و غیره، مسئولیم. این خطاب رسول اکرم صلی الله علیه و آله به همه مسلمین است که «كُلُّكُمْ رَاعٍ». امروز هم خطاب به همه مسلمین می‌باشد. این خطاب نسبت به من و شما زنده‌تر از همیشه است. امروز همه باید برای بهترین کار و وضعیت تلاش کنند» (موسی پور، ۱۳۸۷: ۳۱۲).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام فرستادن معاذ بن جبل به یمن، در دستورالعملی به وی فرمود: «ای معاذ! کتاب خداوند را به آنان یاد بده و بر اساس اخلاق پسندیده، آنان را به نیکی تربیت نما...» (ابن شعبه، ۲۵).

این روایت بیانگر وظیفه مسئولان حکومت اسلامی در رابطه با تربیت اخلاقی و رشد معنویت در مردم است، مشروط بر این که آنان خود به کتاب خدا عمل کنند و به فضایل اخلاقی و معنوی آراسته باشند.

امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «بر فرمانروا واجب است که چون چوپان باشد و از رعیت خویش بی‌خبر نماند و بر آنها بزرگی نفروشد» (ابن شعبه، همان: ۳۹۴).

روایت فوق بوضوح دلالت دارد که مسئولین باید با مردم مهربان باشند و از مراقبت و رسیدگی به احتیاجات و نیازمندیهای مردم غافل نشوند.

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه وقتی حقوق متقابل والی و رعیت را بیان می‌کند، می‌فرماید: اما آنگاه که رعیت بر والی خویش چیره گردد و یا رئیس حکومت بر رعایا اجحاف نماید، قدرت‌ها پراکنده و نظام برهم می‌خورد، نشانه‌های ستم و جور آشکار خواهد گردید. دستبرد در برنامه‌های دینی زیاد می‌شود و جاده‌های وسیع سنن و آداب مذهبی متروک خواهد ماند، و بر طبق میل و هوی عمل می‌شود و احکام خداوند تعطیل می‌گردد و بیماری‌های اخلاقی و روحی بسیار خواهد شد (نهج البلاغه: ۲۵۲-۲۵۱).

بر اساس این روایت یکی از علل بیماریهای اخلاقی و روحی در جامعه ظلم و اجحاف حکومت بر رعیت است. مطابق گزارشات، در بعضی از کشورهای اسلامی بی‌کفایتی و استبدادی بودن حکومت موجب گردید که شمار زیادی از مردم مسلمان به مسیحیت گرایش پیداکنند (منتظری، ۱۴۰۹: ۸۳۵۱).

از مجموع ادله فوق این نتیجه بدست می‌آید که مسئولیت‌پذیری و حسن انجام تکالیف حکومتی، از مهم‌ترین علل رشد اخلاق و معنویت است، چرا که عملکرد مطلوب مسئولان، مصداق دسته‌ای دیگری از روایات است که بر موعظه عملی دلالت دارند.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «موعظه‌ای که گوش آن را پس نمی‌زند و هیچ سودی با آن برابری نمی‌کند آن است که زبان گفتار در آن خاموش بماند و زبان کردار به سخن گفتن پردازد» (آمدی، ۱۳۶۶: ۲۲۵)؛

همچنین فرموده است: «آن که خود را پیشوای مردم سازد پیش از تعلیم دیگری باید به ادب کردن خویش پردازد، و پیش از آنکه به گفتار تعلیم فرماید باید به کردار ادب نماید، و آن که خود را تعلیم دهد و ادب اندوزد، شایسته‌تر به تعظیم است از آن که دیگری را تعلیم دهد و ادب آموزد» (نهج البلاغه: ۴۱۷)؛.

امام صادق علیه السلام در روایتی فرموده است: «با اعمالتان مردم را به کارهای نیک دعوت کنید، نه با زبانهای تان» (کلینی، ۱۴۰۷: ۷۷/۲).

در اینجا می‌توان به سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام نیز استناد جست که به عنوان

حاکم جامعه اسلامی تمام کوشش و تلاش‌شان اجرای قوانین اسلام و خدمت به مردم بود. بنابراین، مسئولان حکومت اسلامی مکلف‌اند بر اساس آموزه‌های اسلام و تأسی به پیشوایان معصوم علیهم‌السلام وظایف خود را به شایستگی انجام دهند و در عمل برای رشد فضایل اخلاقی و معنوی در جامعه اسلامی تلاش کنند.

۲. وظایف حکومت اسلامی در بعد دینی

از عمده‌ترین علل ضعف اخلاق و معنویت، سست بودن اعتقادات مردم است. به همین دلیل، شمار قابل توجهی از مردم مسلمان آنچنان که باید در انجام وظایف دینی‌شان ملتزم نیستند و به تبع آن، از حسن اخلاق و معنویت که حاصل تدین و پارسایی است بهره‌ای چندانی ندارند. بطور مثال متعارف شدن روزه خواری بصورت آشکار در ماه مبارک رمضان، مصرف بی‌باکانه مشروبات الکلی در محافل و جشن‌ها، اختلاط زنان و مردان نامحرم، بی‌اعتنایی به حجاب اسلامی، هنجارشکنی در پوشش و آرایش که منشأ فساد و متلاشی شدن کانون مقدس خانواده است، همچنین خیانت و فساد در عرصه‌های دیگر از جمله مسائل اقتصادی که در انحرافات اخلاقی و خلأ معنویت در جامعه نقش دارند، همگی ناشی از ضعف ایمان مردم است. البته اغلب مسلمانان به احکام اسلام التزام دارند، اما به دلیل این که دینداری‌شان از پشتوانه‌ای معرفت و آگاهی برخوردار نیست، اعمال دینی را صرفاً از روی عادت و به عنوان تشریفات رایج دینی انجام می‌دهند. صف‌های طولانی نماز جماعت در مساجد و اماکن مذهبی در کشورهای اسلامی بسیار چشمگیر است، اما آن آثاری را که باید داشته باشد، ندارد. در صدر اسلام، مسلمانانی که جانشین برحق رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را تنها گذاشتند و اسلام از آن پس از مسیر اصلی‌اش به تدریج انحراف پیدا کرد و فجایع بسیاری ببار آمد، همه اهل نماز و جهاد بودند. خیل عظیمی که در کربلا فرزند پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به شهادت رساندند و اهل بیتش را به اسارت بردند، همه مسلمان نماز خوان بودند. و اینک نیز در کشورهای اسلامی صف‌های طولانی و باشکوه نمازهای جماعت در مساجد بسیار چشم‌نواز است، اما خاصیت نماز واقعی را ندارد و گر نه امروز وضع کشورهای اسلامی اینگونه رقت بار و تأسف برانگیز نبود. مقام معظم رهبری در یکی از بیانات‌شان چنین نمازهایی را ولو این که باشکوه برپا می‌شوند، خنثی

و بی اثر می‌نامد. در قرآن مجید می‌فرماید: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ» (ماعون: ۴)؛ پس وای بر نمازگزاران! چنین نمازهایی است که خاصیت تنه‌ی عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ بودن را ندارند و موجب رشد اخلاق و معنویت نمی‌شوند.

بنابراین، یکی از مهم‌ترین وظایف حکومت اسلامی در جهت گسترش اخلاق و معنویت تحکیم پایه‌های ایمان مردم و بالابردن شناخت و آگاهی آنان نسبت به احکام و معارف دین است. اسلام به علم و آگاهی در مسائل دینی بسیار اهتمام ورزیده و به همین دلیل بین عالم و جاهل تفاوت قائل شده است، در قرآن می‌فرماید: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر: ۹)؛ آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

دلیل این تمایز آن است که ایمان و بندگی عالم آگاهانه است و معنویت حاصل از آن در اعماق روح او نفوذ می‌کند و بر حسن خلق و رفتار نیک او تأثیر می‌گذارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به علی علیه السلام می‌فرماید: «ای علی! خواب عالم بهتر از عبادت عابد و دو رکعت نماز عالم بهتر از هزار رکعت نماز عابد است (صدوق، ۱۴۱۳: ۳۶۷/۴).

مقام معظم رهبری - حفظه الله - در باره قوی بودن ایمان مردم فرموده است: «اگر ایمان مردم مستحکم شد، از آنها موجوداتی آسیب‌ناپذیر، خستگی‌ناپذیر، فعال و پرنشاط به وجود می‌آورد؛ اما وقتی ایمان ضعیف شد، همه آفت‌ها به دنبالش می‌آید. پس تقویت ایمان مردم هم یکی از دوکار اصلی‌ای است که دولت و رئیس‌جمهور آینده ... باید به آن همت گمارد» (موسی پور، ۱۳۸۷: ۱۶۲).

در نتیجه، تقویت ایمان و بالابردن سطح آگاهی مردم نسبت به دین، نقش مؤثری در رشد اخلاق و معنویت در جامعه خواهد داشت که آثار آن در اصلاح رفتارهای فردی، مناسبات اجتماعی مثل استحکام نهاد خانواده، اعتماد در تعامل میان فردی، تقویت روابط دولت و ملت و عرصه‌های گوناگون دیگر بخصوص در مسائل اقتصادی که امروز از مهم‌ترین چالش‌ها به شمار می‌روند، نمایان خواهند شد.

۳. وظایف حکومت اسلامی در بعد اقتصادی

اقتصاد و معیشت، با مسأله اخلاق و معنویت ارتباط تنگاتنگ دارد. اغلب مواقع، انحرافات از فقر و تنگدستی نشأت می‌گیرد و برای علاج آن، باید چالش‌ها در مسائل اقتصادی مورد توجه

قرار داده شود. حکومت اسلامی در رابطه با نیازهای مادی مردم وظایف مهمی دارد که در ادامه به اختصار توضیح داده می‌شوند:

۳-۱. پرداخت زکات

خدواند متعال در قرآن فرموده است:

الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ
نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (حج: ۴۱)؛ (آنان که خدا را یاری می‌کنند)
آنهایی هستند که اگر در روی زمین به آنان اقتدار و تمکین دهیم نماز به پا می‌دارند
و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و (از هیچ کس جز خدا
نمی‌ترسند چون می‌دانند که) پایان همه کارها از آن خداست.

"مکنا" به معنای تمکین و قدرت بخشیدن است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۴۰/۷). این واژه در چند
آیه دیگر نیز تکرار شده که در همه آن موارد مراد از مکنت، قدرت و حکومت است (طباطبایی،
۱۳۷۴: ۵۴۶/۱۴). بنابراین، به قرینه آیات قرآن کریم از بارزترین مصادیق «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ»
نهاد حکومت است، که یکی از وظایف مهم آن، پرداخت زکات است.
حضرت رسول ﷺ هنگام فرستادن معاذ بن جبل به یمن وی را چنین فرمان داد: «به آنان [مردم
یمن] اعلان کن که خداوند بر آنان صدقه [زکات] را واجب فرموده است، از ثروتمندانشان بگیر
و به نیازمندانشان پرداز» (بخاری، ۱۴۰۱ - ۱۹۸۱: ۱۰۹/۵؛ طوسی، ۱۳۸۷: ۲۴۵/۱).

دیدگاه فقهاء

بسیاری از فقهاء نیز بر این نظراند که زکات باید در اختیار حاکم جامعه اسلامی قرار گیرد، تا
میان نیازمندان تقسیم کند یا هر جا که مصالح مسلمانان اقتضا می‌کند به مصرف برساند. شیخ
مفید در ذیل آیه شریفه: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا...» (توبه: ۱۰۳) گفته
است: «خداوند پیامبرش را امر کرده به اخذ زکات مردم و مسلمانان را نیز فرمان داده که زکات
خود را به پیامبر ﷺ پردازند... پس، در زمان حضور پیامبر ﷺ، واجب بود زکات در اختیار آن
حضرت قرار گیرد و بعد از رحلت ایشان، به جانشین او داده شود. در دوره غیبت به نواب
خاص و پس از آن واجب است در اختیار فقیهان مورد اطمینان شیعه قرار گیرد؛ چون آنها بهتر

می‌دانند که آن را در کجا و چگونه به مصرف برسانند» (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۲۵۲). شماری دیگر از فقیهان از جمله شیخ طوسی هم بعد از نقل آیه مذکور چنین بیانی دارند (طوسی، ۱۴۰۷: ۴/۹۰). امام خمینی علیه السلام نیز جمع آوری زکات را از وظائف حاکم جامعه اسلامی دانسته است (خمینی، ۱۴۲۱: ۲/۶۶۲).

زکات و فقر زدایی

زکات در فقر زدایی از جامعه نقش مؤثری دارد. خداوند متعال در قرآن فرموده است:

إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَهُ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (توبه: ۶۰)؛ زکاتها مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای (جمع آوری) آن زحمت می‌کشند، و کسانی که برای جلب محبتشان اقدام می‌شود، و برای (آزادی) بردگان، و (ادای دین) بدهکاران، و در راه (تقویت آیین) خدا، و واماندگان در راه؛ این، یک فریضه الهی است؛ و خداوند دانا و حکیم است.

اهمیت فقر زدایی و رابطه آن با گسترش اخلاق و معنویت

فقر و تنگدستی از موجبات اصلی افزایش انواع فساد و ناهنجاریها در جامعه است. پیامبر صلی الله علیه و آله در توصیف فقر فرموده است: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۳۰۷). به همین جهت، خداوند کمک به فقرا را واجب کرده است تا مشکلات ناشی از فقر در جامعه کاهش یابد. در صحیح زراره و محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام آمده است:

همانا خداوند برای فقراء در اموال اغنیاء به مقداری که نیاز آنان را کفایت کند، سهمی قرار داد، و خدا می‌دانست اگر آن مقداری که واجب فرموده کفایت نیاز فقراء را نمی‌کند البته آن را زیادتراً قرار می‌داد، پس نیازمندی و گرفتاری فقرا از جانب آنچه خداوند برای آنان مقدر فرموده نمی‌باشد، بلکه وضعیت بد آنان بخاطر منع حششان از جانب اغنیاء است. اگر مردم حقوقی که بر عهده آنان است را اداء می‌کردند به یقین، فقراء از زندگی خوبی برخوردار می‌شدند (کلینی، همان: ۳/۴۹۷).

قابل انکار نیست که امروز فشارهای اقتصادی مشکلات بسیاری برای جامعه اسلامی پدید آورده است و زکات، عامل مؤثری در حل چالش فقر و از بین رفتن زمینه‌های انحراف و فساد است.

۲-۳. ایجاد اشتغال و حل مشکل مسکن

فقر زدایی منحصر به پرداخت زکات نیست، بلکه حکومت اسلامی وظیفه دارد بطور کلی رفع چالشهایی را که موجب فقر و فشار بر طبقات ضعیف جامعه می‌شود در دستور کار قرار دهد. امام علی علیه السلام به مالک اشتر می‌فرماید:

سپس خدا را خدا را در خصوص طبقات پایین و محروم جامعه، که هیچ چاره‌ای ندارند، [و عبارتند] از زمین گیران، نیازمندان، گرفتاران، دردمندان. در این طبقه محروم گروهی خویشتن داری کرده، و گروهی به گدایی دست نیاز برمی‌دارند، پس برای خدا پاسدار حقی باش که خداوند برای این طبقه معین فرموده است. بخشی از بیت المال و بخشی از غلات زمین‌های غنیمتی اسلام را در هر شهری به طبقات پایین اختصاص ده (نهج البلاغه: ۳۷۷).

آنچه امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک دستور داده توجه به مشکلات نیازمندان جامعه است و بی‌تردید فرمان امام علیه السلام به فرد و یا زمان معین اختصاص ندارد، بلکه به عنوان یک قانون حکومتی اکنون نیز متوجه مسئولان حکومت اسلامی است که باید به دغدغه‌های مردم که از مهم‌ترین آنها شغل و مسکن است و امروز بیشترین فشار را بر طبقات ضعیف جامعه وارد آورده رسیدگی کنند.

بنابراین، فقر از علل اصلی فساد و ناهنجاریها در جامعه اسلامی است و رفع این چالش، نقش مؤثری در گسترش اخلاق و معنویت خواهد داشت.

۴. وظایف حکومت اسلامی در بعد فرهنگی و اجتماعی

یکی از وظایف حکومت اسلامی که در آیه ۴۱ سوره حج بیان شده امر به معروف و نهی از منکر است. تردیدی نیست که امروز جامعه از نظر فرهنگی و اجتماعی دچار ناهنجاریهای گوناگون است و در این شرایط، امر به معروف و نهی از منکر فردی چندان مؤثر نیست؛ پس، وظیفه حکومت اسلامی است که در این عرصه ورود کند. آنچه که در این راستا لازم است انجام شود کارهای اساسی ذیل است:

۴-۱. رفع موانع گسترش اخلاق و معنویت

با توجه به واقعیت‌های جامعه، مسائلی همچون: تبعیض و بی‌عدالتی، فقر، بیکاری، فساد، اعتیاد، بلوغ زودرس، بالا رفتن سن ازدواج، افزایش طلاق، ترویج سبک زندگی غیر اسلامی، مصرف‌گرایی و مواردی از این قبیل به عنوان منکرات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ... از موانع اساسی گسترش اخلاق و معنویت به شمار می‌روند. بسیاری از ناهنجاریها ریشه در همین مسائل دارند. پس، حکومت اسلامی باید ابتدا موانع موجود را برطرف کند. سیره عملی پیامبر ﷺ در شکستن بتهای مکه بهترین الگوی حکومت اسلامی در رفع موضوع منکر است.

۴-۲. توجه خاص به برنامه‌های تربیتی مدارس

مدرسه از بسترهای مهم رشد اخلاق و معنویت است. بهره‌برداری مطلوب از این ظرفیت، مستلزم توجه دقیق به برنامه‌های تربیتی مدارس است. پیامبر ﷺ به معاذ بن جبل فرمود: «ثُمَّ بُتَّ فِيهِمُ الْمُعَلِّمِينَ» (ابن شعبه، ۱۴۰۴: ۲۵). اعزام معلمین نیازمند فراهم بودن زیرساخت‌های آموزشی از جمله مدارس مناسب و برنامه‌های خاص تربیتی برای تحصیل و تربیت کودکان و نوجوانان است. با استفاده از بستر مدارس و تربیت صحیح کودکان و نوجوانان، اخلاق و معنویت در جامعه گسترش پیدا می‌کند.

۴-۳. کمک به ازدواج جوانان

تشکیل خانواده از امور حیاتی و دارای فواید بی‌شمار است. به همین جهت پیامبر ﷺ در باره آن فرموده است: «در اسلام هیچ بنایی محبوب‌تر از ازدواج نزد خداوند بنا نشده است» (صدوق، ۱۴۱۳: ۳/۳۸۳).

مهم‌ترین اثر معنوی ازدواج کامل شدن ایمان انسان است و ایمان سرچشمه اصلی اخلاق و معنویت به شمار می‌رود. از سوی دیگر تجرد و ازدواج دیرنگام از موجبات اصلی آلوده شدن به گناه است. با آلودگی و فساد دست‌یابی به فضایل اخلاقی و ارزشهای معنوی بسیار دشوار است.

یکی از کارهای اساسی که حکومت اسلامی باید انجام دهد، کمک به ازدواج جوانان است. این مسأله مصداق احیای معروف و جلوگیری از منکر است که آیه ۴۱ سوره حج بر آن دلالت

دارد. دلیل دیگر در این زمینه سیره امیرالمؤمنین علیه السلام است که آن حضرت، جوانی را که با آلت تناسلی اش بازی کرده بود تعزیر کرد، آنگاه از بیت المال برای او زن گرفت (کلینی، ۱۴۰۷: ۷/۲۶۵). یقین داریم که تأخیر در ازدواج، جوانان جامعه را از اخلاق و معنویت دور می‌کند؛ پس، حکومت اسلامی باید بخشی از بیت المال را برای تسهیل در امر ازدواج جوانان اختصاص دهد.

۴-۴. تحکیم بنیان خانواده

علی‌رغم تأکید اسلام بر ازدواج و استحکام خانواده، در حال حاضر آمار طلاق در حال افزایش است و کانون گرم خانواده به سادگی از هم فرو می‌پاشد. این واقعیت قابل انکار نیست که این پدیده اکنون به یک تهدید اجتماعی تبدیل شده است. فروپاشی نظام خانواده نقش ویژه‌ای در گسترش فساد و انحرافات اخلاقی و ضعف معنویت مردم دارد. بنابراین، از مهم‌ترین وظایف حکومت اسلامی تحکیم بنیان خانواده است. توجه به این مسأله مستلزم پرداختن به مسائل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... است و گرنه مشکل حادث‌تر خواهد شد.

۴-۵. مقابله با تبلیغات فضای مجازی و رسانه‌های جمعی

فضای مجازی و رسانه‌های جمعی برای بسیاری از مردم بخصوص قشر جوان جامعه بسیار جذاب است، آنچنان که امروز کمتر کسی را می‌توان یافت که با این شبکه‌ها و رسانه‌ها سروکار نداشته باشد و از آنها تأثیر نپذیرد. به همین دلیل امروز سبک زندگی مردم که بیشترین نمود را در پوشش و آرایش دارد بسیار تغییر کرده است. این واقعیت نیز قابل انکار نیست که کمرنگ شدن تدریجی دیانت و اخلاق و معنویت در جامعه محسوس است. این همان چیزی است که برای جامعه اسلامی خطر آفرین است. در چنین وضعیتی، حکومت اسلامی وظیفه دارد برای مقابله با تهاجم فرهنگی اقدامات متناسب انجام دهد. یکی از دلایل مهم این مسئولیت آیه ذیل است: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ» (انفال: ۶۰)؛ هر نیرویی که در قدرت دارید، برای مقابله با دشمنان آماده سازید و اسب‌های ورزیده آماده کنید.

امروزه در جنگ نرم از ابزارهایی همچون ماهواره، اینترنت، فیلم‌ها، بازیهای رایانه‌ای، شبکه‌های اجتماعی و... استفاده می‌شود که آثار ویران‌کننده آن کمتر از توپ و تانک و هواپیما

نیست. از این رو، مصادیق قوه در هر زمان متفاوت است و متناسب با آن باید خود را تجهیز کرد. براساس این آیه همانگونه که در جنگ سخت آمادگی برای دفاع و مقابله لازم است، در جنگ نرم نیز لازم است.

دلیل دیگر آیه ۱۴۱ سوره نساء است: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً». "سبیلا" نکره در سیاق نفی است و عمومیت آن هر نوع سلطه ای کافران بر مسلمانان را نفی می کند. تهاجم فرهنگی نیز موجب سلطه بر مسلمانان می شود. در حقیقت با سست شدن ایمان مردم و تضعیف بنیان اخلاق و معنویت در جامعه، تسلط بر آن راحت تر خواهد بود. نفی سلطه فرهنگی با مراقبت و مقابله با آن امکان پذیر است.

بنابراین، یکی از راه های گسترش اخلاق و معنویت در جامعه اسلامی مقابله با تهاجم فرهنگی است که از بسترها و ابزارهای مهم آن، فضای مجازی و رسانه های گروهی است.

نتیجه

دست آوردهای این پژوهش به ترتیب ذیل خلاصه می گردد:

۱. اخلاق و معنویت دو عنصر اساسی و ارزشمند برای جهت دهی فعالیتها و تلاشهای بشر در عرصه های گوناگون علمی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... به سوی هدف غایی یعنی قرب الی الله است. بدون اخلاق و معنویت فساد و انحراف همه شئون زندگی بشر را فراخواهد گرفت و نتایج آن جز تباهی چیز دیگری نخواهد بود.

۲. جهان معاصر بدلائیل مختلف از جمله عملکرد نامطلوب نظامهای سیاسی حاکم بر جهان، غرق در فساد، بی عدالتی و بریده از ارزشهای اخلاقی و معنوی است.

۳. برخلاف حکومت های مادیکرا، یکی از وظایف مهم حکومت اسلامی آن است که بر اساس مبانی و معیارهای اسلامی برای رشد اخلاق و معنویت در جامعه اسلامی تلاش کند. تکلیف شرعی حکومت اسلامی در این زمینه مستند به آیات، روایات و سیره معصومین (علیهم السلام) است.

۴. ضعف اخلاق و معنویت در جامعه اسلامی علل گوناگون دارد، بدین جهت حکومت اسلامی وظیفه دارد، اصلاح کاستی ها و به حد اقل رساندن مشکلات در مسائل مختلف دینی،

اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ... را به شکل جامع مورد توجه قرار دهد، در غیر اینصورت، وضعیت نامطلوب فعلی بهبود نخواهد یافت.

۵. نخستین وظیفه حکومت اسلامی در این راستا، مسئولیت‌پذیری و عمل به وظایفی است که شرع و قانون بر عهده آن نهاد است؛ چرا که بی‌مسئولیتی، اجحاف به مردم و بطور کلی فساد و عملکرد نامطلوب دستگاه حاکمیت در انحراف و دور شدن جامعه اسلامی از اخلاق و معنویت نقش مؤثری دارد.

۶. وظیفه حکومت اسلامی در بعد دینی، تقویت بنیان‌های اعتقادی و بالابردن سطح آگاهی و معرفت دینی مردم است؛ زیرا ضعف اعتقادی، عدم التزام به وظایف دینی را بدنبال دارد که انحرافات اخلاقی و معنوی از نتایج اجتناب‌ناپذیر آن است.

۷. بسیاری از فسادها و ناهنجاریها ناشی از فقر است، از این رو، حل چالش‌های اقتصادی و برطرف نمودن مشکلات معیشتی مردم تأثیر بسزائی در گسترش اخلاق و معنویت خواهد داشت. بدین لحاظ، در بعد اقتصادی وظیفه حکومت اسلامی پرداخت زکات، توجه خاص به فقرا، فقر زدایی و ایجاد اشتغال برای همه مردم است.

۸. مسئولیت حکومت اسلامی در بعد فرهنگی و اجتماعی مسائلی همچون برطرف ساختن موانع مختلف گسترش اخلاق و معنویت، تقویت برنامه‌های تربیتی مدارس، کمک به ازدواج جوانان، تقویت بنیان خانواده، نظارت بر فضای مجازی و مقابله با تهاجم فرهنگی است. بسیاری از مشکلات امروز جامعه از لحاظ اخلاقی و معنوی در همین مسایل نهفته است.

کتابنامه

- قرآن کریم.
نهج البلاغه.
آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، تهران، انتشارات مروارید، اول، ۱۳۶۶.
آمدی، عبد الواحد تمیمی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات، اول، ۱۳۶۶ ش.
ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، قم، جامعه مدرسین، دوم، ۱۴۰۴ ق.
ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، سوم، ۱۴۱۴.
احمد مختار، عمر، و عمل، فریق، معجم اللغة العربیه المعاصره، قاهره، عالم الکتب، ۱۴۲۹ ق.
ارسطو، اخلاق نیکو ماخوس، ترجمه محمد حسن لطفی، تهران، طرح نو، ۱۳۷۸.
اصفهانى، راغب، مفردات غریب القرآن، بی جا، دفتر نشر کتاب، دوم، ۱۴۰۴.
امامی، سید حسن، حقوق مدنی، تهران، انتشارات اسلامی، بی تا.
انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، انتشارات سخن، اول، ۱۳۸۱.
بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۰۱ ق.
بهجت، محمد تقی، استفتاءات، قم، دفتر حضرت آیه الله بهجت، اول، ۱۴۲۸ ه ق.
جعفریان، رسول، رسائل حجابیه، قم، دلیل ما، دوم، ۱۴۲۸ ق.
جمعی از پژوهشگران زیر نظر سید محمود شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، اول، ۱۴۲۶ ق.
جمعی از محققان، سیره سیاسی و حکومتی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اول، ۱۳۸۶.
خلخالی، سید محمد مهدی موسوی، مترجم جعفر الهادی، حاکمیت در اسلام یا ولایت فقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۲۲ ه ق.
خمینی، سید روح الله موسوی، کتاب البیع، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، اول، ۱۴۲۱.
_____، ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، دوازدهم، ۱۴۲۳ ه ق.
دهخدا، علی اکبر، و دیگران، لغت نامه (۲ جلدی) تهران، دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و

چاپ، ۱۳۹۰-۱۳۸۵.

- شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، المقنعه، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، اول، ۱۴۱۳ق.
صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به
جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم، ۱۴۱۳ ه ق.
- طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، مترجم سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر
انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۷۴ش.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، سوم، ۱۳۷۲ش.
طوسی، خواجه نصیرالدین، اخلاق ناصری، تهران، نشر خوارزمی، ۱۳۶۴.
- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ ق.
فارابی، ابو نصر محمد، احصاء العلوم، ترجمه حسین خدیوچم، تهران، نشر بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸.
فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، نشر هجرت، دوم، ۱۴۱۰ ه ق.
- فیض کاشانی، ملا محسن، علم الیقین، تعلیق محسن بیدار، قم، نشر بیدار، ۱۴۱۸ ه ق.
فیومی، احمد بن محمد مقرئ، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم، منشورات
دار الرضی، اول، بی تا.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ ه ق.
مدنی، جلال الدین، مبانی و کلیات سیاسی علوم سیاسی، تهران، نشر اسلامیه، ۱۳۷۲.
مطهری، مرتضی، هدف زندگی، تهران، صدرا، چهارم، ۱۳۹۰.
- _____ نظری به نظام اقتصادی اسلام، صدرا، هفتم، ۱۳۷۷.
- منتظری، حسین علی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، مترجم صلواتی، محمود و شکوری، ابو
الفضل، قم، مؤسسه کیهان، اول، ۱۴۰۹ ق.
- موسی پور، میثم، کرامتی، محمد تقی، منشور دولت اسلامی، پرتو ولایت، ششم، ۱۳۸۷.
ویلیام بلوم، نظریه‌های نظام سیاسی، ترجمه احمد تدین، تهران، انتشارات آران، ۱۳۷۳.

